

حفظ هویت شیعه

به تدبیر باب‌الحوائح اهل بیت(ع)



حجت‌الاسلام والمسلمین امیرعلی حسینی مدیتره تاریخ و سیره مرکز مطالعات و پاسخگویی به شبهات حوزه‌های علمیه

با توجه به شرایط زمانی و اختناق دوره عباسیان، امامان شیعه برای ایجاد ارتباط با مردم و استمرار دین و اتصال جامعه به هسته امامت، روش‌هایی را ابداع کردند. هر یک از ائمه^(ع) به تناسب امکانات زمان خود، اقدامات ویژه‌ای انجام می‌دادند؛ برای مثال امام کاظم^(ع)، پدر بزرگوار امام هشتم^(ع)، به‌منظور استمرار و حفظ و حیات‌دین، روش‌های مختلف رایبه‌کار بستند که امروز هم الگوبخش و اثرگذار است. باتوجه به اینکه دوران حیات ائمه^(ع) بعد از شهادت امام حسین^(ع) همیشه قرین خفقان و فشار سیاسی از جانب خلافت، چه از نوع اموی و چه از نوع عباسی بود و ائمه^(ع) را از ارتباط مستقیم با پیروان و شیعیان‌شان منع می‌کردند. ائمه^(ع) هم با استفاده از سیاست تقیه و تربیت افراد مطمئن، به گسترش تشیع و تعلیم و آموزش عقاید و احکام دینی اقدام می‌کردند؛ البته این سیاست در ابتدا به‌خاطر وضع نامساعد سیاسی و انتقال خلافت از امویان به عباسیان، چندان محسوس نبود ولی بعد از اینکه خلافت عباسیان استقرار یافت و همان رویه امویان را ادامه دادند و برخلاف شعارهای داده شده عمل کردند. ائمه^(ع) هم دست به کار شدند و اقدام به آگاهی مردم از حق و حقایق خود کردند. در این نوشتار مروری کرده‌ایم برخی اقدامات حضرت موسی بن جعفر^(ع) در این باره را.

● ابتکار در «وکالت»

یکی از روش‌های مهم ارتباطی امام کاظم^(ع) با مردم، تأسیس سازمانی وسیع به نام «وکالت» بود، اگرچه در ادوار مختلف ائمه پیشین نیز در این راستا اقداماتی ابتدایی که بیشتر جنبه تشکیل حلقه‌های علمی را داشت، انجام داده بودند اما از زمان امام کاظم^(ع)، سازمانی رسمی‌تر را آن حضرت تأسیس کردند و با نام «سازمان وکالت» به انجام وظایف دینی و ارتباط با حضرت در مناطق مختلف مستقر شد؛ بدین ترتیب افرادی را تربیت می‌کردند که از شاگردان مخصوص و معتمد و آگاه به شرایع دین مبین اسلام و آیین تشیع بودند و از طرف آن حضرت به نقاط مختلف جهان اسلام که تشیع در آن حضور داشتند، مثل ایران و آفریقا، اعزام می‌شدند تا مردم را با اسلام راستین و مکتب اهل بیت^(ع) و همچنین ظلم و فساد دستگاه خلافت آشنا سازند. این نیروها را حضرت سازمان دهی می‌کردند و دور از چشم حکومت در مناطق مختلف پراکنده شدند و گروه‌های مختلف مردم را به سوی اهل بیت^(ع) و علویان، جذب و خلافت را با خطرات جدی مواجه می‌کردند. در نتیجه همین اقدامات بود که مأمون برای درآمان ماندن آن خطرناکه به فکر احضار امام به مرو و طرح ولایتعهدی آن حضرت افتاد تا خلافت حفظ شود.

● شیعه را گردهم آورد

یکی دیگر از راه‌های ارتباطی امام کاظم^(ع) با مناطق شیعه‌نشین، آمدن گروه‌های مختلف مردم و نمایندگان از مناطق دور به محضر ایشان بود، طوری‌که بعد از شهادت امام جعفر صادق^(ع)، شیعیانی که خبر شهادت امام^(ع) را دریافت کرده بودند، برای شناخت امام بعدی و جانشین ایشان، نمایندگان خود را به مدینه (یثرب) می‌فرستادند که این نمایندگان بعد از شناخت امام و ایمان به امامت ولایت حضرت موسی بن جعفر^(ع) و بیان دوستی و اطاعت به‌سوی سرزمین‌های خود می‌رفتند. آنان وظایفی در زمینه ارتباط و هدایت مردم، دریافت و به مردم ابلاغ می‌کردند؛ شبیه هیئت‌هایی که امام صادق^(ع) در باره اصل تأسیس آن به شیعیان سفارش می‌فرمودند که: جمع شوید، درباره روایات ما با همدیگر دوره‌هم گدشه تشکیل دهید و فضایل اهل بیت^(ع) را بازگو کنید تا نسل‌های آتیه شما با این ابزار و وسیله، با مکتب آشنا شوند و ارتباط قطع نشود. این تشکل در دوره امام کاظم^(ع)، منسجم‌تر و پرنفوذتر فعالیت می‌کرد و در تثبیت هویت شیعه مؤثر عمل کرد.

این ارتباط تا حدی بود که شیعیان از سراسر نقاط مملکت اسلامی، خمس و وجوه شرعی خود و همچنین هدایا و نذور را توسط وکلا و نمایندگان برای امام کاظم^(ع) می‌فرستادند و امام نیز آن وجوه را به مصارف خاص می‌رساندند.

ازجمله عواملی که باعث حسد و کینه هارون نسبت به امام موسی بن جعفر^(ع) شد، همین مسئله ارتباط امام با مناطق مختلف و حکومت حضرت بر دل‌ها و نیز سرازیر شدن وجوه به جانب بیت آن حضرت بود. لذا او دستور انتقال امام به بغداد را داد

و حضرت را زندانی و نهایتاً شهید کرد.

دستگاه وکالتی که امام کاظم^(ع) تأسیس کردند، حتی پس از غیبت کبری نیز استمرار یافت و سبب تربیت شخصیت‌های بزرگ شد. همین نهادی که حضرت موسی بن جعفر^(ع) برای حفظ ارتباط با مردم تأسیس کردند. کانون تاریخی اثرگذار شیعه و بنیانی برای مرجعیت شد. مرجعیت هم نقش‌های مؤثری در حفظ دین ایفا کرد؛ اعم از تأسیس مدارس دینی، مساجد و حسینیه‌ها و راه‌اندازی تشکیلات تمدنی وسیع.

بردار و بخوان

آشتی با امام عصر(عج)

حمیده ذاکری کتاب‌هایی که با موضوع «امام زمان^(عج)» نوشته و منتشر می‌شوند، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار هستند، به‌ویژه برای افرادی که به مباحث دینی، اعتقادی و مهدویت علاقه‌مند هستند. این کتاب‌ها باعث تقویت ایمان و یاورهای دینی و یاور به وعده الهی درباره ظهور منجی می‌شود. این یاور امید به آینده‌ای روشن و عادلانه را در دل انسان زنده نگاه می‌دارد. ازسوی دیگر مطالعه این کتاب‌ها شناخت صحیح ما از مفاهیم مهدویت را به همراه دارد. این درحالی است که در بسیاری از منابع و سخنان عامیانه، مطالبی نادرست یا تحریف شده درباره امام زمان نقل می‌شود. همچنین کتاب‌هایی با موضوع مهدویت، احساس مسئولیت در دوران غیبت ایجاد می‌کند. ما نباید در دوران غیبت، بی تفاوت نباشیم و باید برای اصلاح خود و جامعه تلاش کنیم؛ چون براساس روایت زمینه ظهور با عمل ما فراهم می‌شود. اینکه انسان امید به ظهور امام زمان داشته باشد، موجب تقویت صبر، پایداری و اخلاق در زندگی روزمره می‌شود. «آشتی با امام عصر^(عج)»، نوشته دکتر علی هراتیان، یکی از کتاب‌هایی است که می‌تواند به ما برای شناخت بهتر از امام زمان^(عج) کمک کند. فراموش نکنیم که کتاب‌های معتبر می‌توانند پاسخ‌های مستدل و منطقی به سؤالات یا شبهاتی که درباره امام زمان در ذهن افراد ایجاد می‌شود، بدهند. شاید عنوان آشتی با امام عصر^(عج) در وهله اول، تداعی‌گر این موضوع باشد که مگر می‌شود با امام زمان^(عج) قهر بود؟

نویسنده این کتاب با بیانی شیوا و پدایانه در آغاز کتاب یادآوری می‌کند که وقتی در طول زندگی توجه واقعی به امام عصر(ارواحنا فداه) نداشته باشیم و ایشان را در تمام مراحل زندگی نادیده بینگاریم، گویی با ایشان قهر بوده‌ایم و این نوع گذر عمر، زندگی نیست، بلکه مردگی است و سپس بیان می‌کند که: «رمز جلب عنایت امام عصر^(عج)، توجه به وجود مقدس اوست... اشتباه نکنیم؛ امام^(ع) در دوردست‌ها نیست، هر لحظه با ما است؛ از رگ گردن به ما نزدیک‌تر است». کتاب آشتی با امام عصر^(عج) در طول چهار فصل تنظیم شده است که فصل آغازین به حکایت دوازده قرن غربت آن حضرت می‌پردازد و این غربت را در زمینه‌های مختلف بررسی می‌کند.

کتاب آشتی با امام عصر^(عج)، نوشته دکتر علی هراتیان، را انتشارات آفاق در ۱۴۴ صفحه در قطع خشتی منتشر کرده است.

شکر

۴شنبه
۱۳۴۲
شماره ۳۳۶۱

۱۴



تکلیف قرآنی مؤمنان

بنابر آموزه‌های دینی قرآنی، خیرخواهی برای اعضای خانواده و تربیت دینی آنان، تکلیف مؤمنان است. پیامبران الهی آمده‌اند تا زمینه‌های این تحول بزرگ را در وجود انسان فراهم آورند و او را از پرهوت ظلمانی به نور هدایت رهنمون شوند. قرآن کریم و سنت و سیره ائمه معصومین^(ع) بهترین راه تربیت را که مبتنی بر شناخت حقیقت انسان و نیازهای اوست، ارائه می‌کند.

اهمیت تربیت در دوران کودکی

مهم آنکه آموزه‌های دینی ما بهترین دوران را برای تربیت کودکی می‌دانند؛ چنان‌که پیامبر^(ص) می‌فرمایند: «حکایت کسی که در کودکی می‌آموزد، همانند نقش‌گندن بر سنگ است و حکایت کسی که در بزرگ سالی می‌آموزد، همانند کسی است که بر آب می‌نویسد» (کنز العمال؛ ج ۱۰، ص ۲۴۹). ایشان همچنین فرموده‌اند: «خدا رحمت کند بنده‌ای را که با نیکی به فرزندش و دم‌سازی با او و آموزش و ادب کردن وی، در نیکوکار شدن یاری اش دهد»

(مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۶۲۶)

به فرزندان خود محبت کنید

امام رضا^(ع) نیز همچون اجداد بزرگوارشان برای تربیت فرزند، سهم ویژه‌ای قائل هستند و در سیره کلامی و عملی ایشان، مصادیق ارزشمند و کاربردی در این باره وجود دارد؛ یکی از اصول مهم تربیت فرزند در سیره رضوی «محبت» است؛ چنان‌که ایشان محبت به فرزند را درکنار محبت به پدر و مادر قرار می‌دهند و می‌فرمایند، «نیکی به فرزند، به جای نیکی به پدر و مادر کفایت می‌کند. به فرزندان خود نیکی کنید؛ چرا که آن‌ها شما را روزی دهنده خود می‌دانند.»

(مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۱۷۰)

جلوه‌های محبت به فرزند

امام رضا^(ع) بر محبت به فرزندان تأکید بسیار می‌کردند و خود نیز از این راهکار مؤثر تربیتی به شیوه‌های مختلف استفاده می‌کردند؛ گاهی اوج محبت خود را با تعبیر «پایی آنت و آئی، پدر و مادرم به فدایت» به جوادالائمه^(ع) نشان می‌دادند و زمانی ایشان را در آغوش می‌گرفتند، به سینه خود می‌فشرند و می‌بوسیدند. اباصلت می‌گوید: هنگامی که جواد^(ع) بر بستر شهادت پدر وارد شد، حضرت رضا^(ع) از بستر برخاستند، به سوی او رفتند، دست بر گردنش انداختند، او را به سینه ششردند، میان دو چشمشان را بوسیدند و با او سخن گفتند.

مروری بر اصول تربیت فرزند در سیره امام رضا^(ع)

بچه‌ها را دوست بدارید و تکریمشان کنید

گزارش

آئمه مستقیمی^(ع) اگرچه همه روزها و اوقات ما باید امام رضایی و نگاهمان به آموزه‌های آن حضرت باشد اما چهارشنبه‌ها که در میان روزهای هفته برای شیعه به‌ویژه ابرائی‌ها به نام ایشان، پدر و پسرشان سند خورده، فرصتی بهتر است برای مرور آموزه‌های رضوی که هرکدامشان کلید کنج سعادت و خوشبختی ما هستند.

چهارشنبه‌های امام رضایی

بابچه‌ها خوش قولی کنید

از دیگر اصولی که امام رضا^(ع) در تربیت فرزند بر آن تأکید می‌کنند، خوش قولی و وفای به عهد است: «هرگاه به کودکان خود وعده‌ای دادید، به وعده خود وفا کنید» (مرآةالعقول، ج ۲۱، ص ۸۷). امام همچنین بر احترام و تکریم کودکان تأکید می‌کنند و آن را صرفاً مختص بزرگ سالان نمی‌دانند. از ایشان روایت شده است، «لازم است با همه اطفال و بزرگ سالان، با احترام و ادب رفتار کنید»

(مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۶۷)

رفتار با فرزند در اوج احترام

همان طور که گفتیم، امام رضا^(ع) برای حضرت جوادالائمه^(ع) احترام بسیار قائل بودند و از این شیوه مؤثر در تربیت فرزند بسیار بهره می‌بردند؛ محمدبن ابی عباد که به تصویب فضل بن سهل امورنگارش حضرت رضا^(ع) را برعهده داشت، می‌گوید: حضرت رضا^(ع) همواره از فرزند بزرگوارشان محمد باکنیه^(ع) که نزد عرب علامت بزرگداشت و احترام است نام می‌بردند و می‌فرمودند: «ابوجعفر به من چنین نوشت و من به ابوجعفر چنین نوشتم». با آنکه امام جواد^(ع) در مدینه به سر می‌بردند و کودکی بیش نبودند، حضرت رضا^(ع) وی را بسیار احترام می‌کردند و نامه‌هایی را که از حضرت جواد^(ع) به ایشان می‌رسید، با کمال بلاغت و نیکویی پاسخ می‌دادند.

بچه‌ها را تنبیه بدنی نکنید

در سیره امام رضا^(ع)، فرزنددوستی و خوش اخلاق بودن با کودکان و پرهیز از هرگونه رفتار تند و تنبیه بدنی کودک مورد تأکید است، حضرت موسی بن جعفر^(ع)، پدر بزرگوار ایشان، هم در این باره توصیه می‌کردند که: «فرزندت را کتک زن و برای ادب کردنش با او قهر کن؛ هرچند نباید این قهر طولانی شود.» (بخارالانوار، ج ۱۰، ص ۹۹)

توجه و دستگیری از محرومان

امام رضا^(ع) بر ایجاد روحیه توجه به هم‌نوعان و دستگیری از محرومان از دوره کودکی تأکید و فرزند خردسال خود امام جواد^(ع) را هم به آن توصیه می‌کردند؛ چنان‌که در نامه به ایشان نوشتند، «ای ابوجعفر! شنیده‌ام هنگامی که سوار مرکبت می‌شوی، غلامان تو را از در کوچک بیرون می‌برند. این از بخل آن‌هاست، زیرا نمی‌خواهند خیر تو به کسی برسد و توافق کنی، به حقی که من بر گردن تو دارم. از تو می‌خواهم که رفت‌وآمدت، فقط از درب بزرگ باشد. هنگامی که بیرون می‌روی، زروسیم با خود داشته باش و هرکه از تو چیزی خواست، باید به او بدهی. من می‌خواهم به این وسیله، خداتورا بزرگ کند و توفیق دهد. انفاق کن و نترس از اینکه روزی ات کم شود یا تهیدست شوی.»

(کافی، ج ۴، ص ۴۲)

روشنا

هرکسی اندوه مؤمنی را بزداید، خداوند در روز قیامت، غم از دلش می‌زداید.

(الکافی، ج ۲، ص ۲۰)

بنمود بهار تازه رخسار ای دل!

دیدگاه اهل بیت^(ع) درباره فصل بهار

یاد شده است، معمولاً در این سخنان گران بها به سرزندگی و تازگی که در حال واحوال همه دنیا در بهار رخ می‌دهد، اشاره و به آن توجه ویژه شده است. پیامبر اکرم^(ص) در حدیثی در این باره می‌فرمایند: «غنیمت بدانید هوای بهار را؛ زیرا که با بدن‌های شما همان می‌کند که با درختان می‌کند و خودتان را از هوای پاییز

گره می‌زد. بهار، برایش آغاز بود؛ آغاز تقویمی سفید که قرار بود در هر برگش رنگی بپاشد و روحی تازه به آن بدمد. علاوه بر گرامیداشت فصل بهار در رسوم کهن ایرانی و هم‌زمانی فصل بهار با عید فرخنده نوروز، در احادیث متعددی از معصومان^(ع) نیز، از آغاز فصل بهار و نیکو بودن روزهای نوروز

فیالوفر نویدی^(ع) هر سال، با آمدن بهار، انگار دلش مثل طبیعت سبز می‌شد و نوری از میان آسمان‌ها بر آن می‌تابید. دلش باز می‌شد و اخلاقیش بهتر؛ مدام خودش را در دوربین جلوی گوش‌اش نگاه می‌کرد و حواشی به صورتش بود تا خندان باشد. خودش را مثل همان درخت جوانی می‌دید که ایستاده و سرباست و حالا پس از مدتی استراحت در دامان طبیعت و گذران خمودی و خستگی، در انتظار رویش مجدد است؛ رویشی نو و شروعی پراز انگیزه و امید برای روزهایی که می‌خواست بهتر از سال قبل باشد. بهار همان بهانه‌ای بود که دل او را به مهربانی، خوبی و خلق نیکو

شنیدنی

احکام

وقف مشروط

پیش‌ش

سلام. آیا واقف می‌تواند شرط برای وقف بگذارد؟ مثل اینکه در هنگام وقف مسجد یا حسینیه بگوید کسی داخل مسجد غذا نخورد یا فلان افراد وارد حسینیه نشوند؟

پاسخ اجمالی

واقف می‌تواند برای وقف، شروطی که مخالف مقتضای وقف نباشد را قرار دهد. اما در مورد مثال مذکور، بیشتر مراجع، گنجاندن چنین شرطی را به صورت مطلق و در تمام عرصه و اعیان مسجد، صحیح ندانستند.

بیوشانید که با شما همان می‌کند که با درختان می‌کند.» همچنین، علاوه بر تعبیراتی که در بعد جسمانی در فصل بهار برای انسان رخ می‌دهد، بعد روحانی نیز وجود دارد. بازنده شدن دوباره زمین و رویش مجدد درختان و گیاهان پس از مرگ زمستانی، یاد خدا و روز قیامت برای هر انسان خدادوست و خداترسی زنده می‌شود. مسئله معاد، آخرت و زندگی پس از مرگ، جزو موضوعاتی است که در روایات متعدد و در عنوانین گوناگون، به آن اشاره شده است. پیامبر اکرم^(ص) در این باره نیز در حدیثی به این موضوع اشاره می‌کنند: «هرگاه بهار وارد شد، زیاد به فکر قیامت باشید که شبیه بهار است.»

